

## برای حفظ منافع ملی:

### بیا باید

### بیشتر به

### بخش

### عمومی

### بپردازیم



محسن قاسمی

آبان‌ماه ۱۳۹۳، به همراه هیئتی حدود پنجاه نفری، متشکل از حسابداران حرفه‌ای ایرانی و نمایندگان از انجمن حسابداران خبره‌ی ایران و جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (دو انجمن حسابداران حرفه‌ای ایرانی عضو فدراسیون بین‌المللی حسابداران؛ IFAC) در نوزدهمین کنگره‌ی جهانی حسابداران، ۲۰۱۴، که در شهر زیبای رم برگزار می‌شد، شرکت کردیم. فضای کنگره کاملاً "حرفه‌ای" (در برابر "آکادمیک" (دانشگاهی)) بود. هم موضوعات ارائه‌ها، که عموماً به صورت پنل‌های مشارکتی سه، چهار نفره برگزار می‌شدند، و هم افراد حاضر در این پنل‌ها، غالباً حرفه‌ای (و نه صرفاً "دانشگاهی") بودند. بدین ترتیب، افراد حرفه‌ای حاضر در این پنل‌ها، فارغ از پرداختن به مباحث نظری، عموماً تجربیات حرفه‌ای خود را با حاضران - که آنان هم جملگی حرفه‌ای بودند - در میان می‌گذاشتند.

عصرگاه چهارشنبه، ۱۱ مهر ۱۳۹۷، چهلمین همایش انجمن حسابداران خبره‌ی ایران با موضوع «مدیریت هزینه: در عمل» با حضور قریب به چهارصد تن از اعضای انجمن، اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، و دیگر کارکنان حرفه‌ای شاغل در موسسات حسابرسی، و مدیران و کارشناسان ارشد شاغل در صنایع نفت و گاز و برق و دیگر صنایع کشور، در تالار الغدیر دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران برگزار شد. هر چند از نظر گستره و فرم برگزاری، ممکن است قیاس مع‌الفارق باشد، ولی فضای این همایش برای نگارنده یادآور فضای حرفه‌ای حاکم بر کنگره‌ی جهانی حسابداران بود.

در آغاز همایش، رئیس انجمن حسابداران خبره‌ی ایران (منصور شمس احمدی)، به عنوان یک فرد تمام‌قد حرفه‌ای که جوانی خود را در حرفه به میان‌سالی پیوند زده است، از دغدغه‌های حسابداران حرفه‌ای برای "خدمت به عموم" (و نه دغدغه‌های صنفی) گفت. شمس احمدی، به نمایندگی از حسابداران حرفه‌ای ایران، از مصادیق پرشمار خدماتی گفت که حسابداران حرفه‌ای سرتاسر کشور می‌توانند به جامعه، مردم، دولت، بانک‌ها، صنایع، و...، و در یک کلمه، به "عموم"، ارائه کنند. خدماتی که موجب گسترش شفافیت و نظارت مالی، کاهش تقلب‌ها و فسادهای مالی، تخصیص بهینه‌ی منابع، و تصمیم‌سازی‌های راهگشا برای مدیران خواهد شد.

پس از سخنرانی رئیس انجمن، دبیر علمی همایش، هنگامه مقدس‌پور، که از مشاوران جوان و فعال در زمینه‌ی طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های مدرن بهیابایی (عمدتاً، ABC) در بنگاه‌های بزرگ و بعضاً ملی کشور است، در گزارش خود بر رویکرد حرفه‌ای و عملی غالب بر طراحی و برگزاری همایش تاکید کرد. وی که دکتری تخصصی حسابداری خود را از دانشگاه تهران دریافت کرده است، در پایان گزارش خود، بودن در زمره‌ی نخستین اعضای خبره‌ی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران در شاخه‌ی تخصصی «حسابدار مدیریت خبره (CMA)» (۳۱ پذیرفته‌ی نهایی «آزمون حسابدار مدیریت خبره‌ی سال ۱۳۹۶») را مایه‌ی مباهات و افتخار خود دانست، و همه‌ی حسابداران حرفه‌ای شاغل در زمینه‌ی حسابداری مدیریت را به عضویت خبره در این شاخه‌ی تخصصی، از راه شرکت در آزمون‌های کتبی، سراسری، و متحدالشکل برگزاری توسط انجمن حسابداران خبره‌ی ایران (در هر سال) دعوت کرد.

در ادامه، عزیز عالی‌ور، به عنوان معلمی دست به آچار، که در طول زندگی پرچار حرفه‌ای-دانشگاهی خود، مفاهیم نظری را از کتاب‌های دانشگاهی به عرصه‌ی عمل کشانده است؛ و در این راستا، در پیاده‌سازی سامانه‌ی مدرن بهیابایی (یا به فرمایش او، "هزینه‌یابی") بر مبنای فعالیت (ABC) در بزرگترین بنگاه‌های (بعضاً ملی) کشور مشارکتی تاثیرگذار داشته است، از مفاهیم اولیه‌ی حسابداری مدیریت و مدیریت هزینه و پیاده‌سازی این مفاهیم در عمل گفت.

پس از عالی‌ور، پیمان مولوی، این مدرّس خوش‌بیان دوره‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری مرکز آموزش حسابداران خبره (PACT)، که آوازه‌ی جذابیت کلاس‌هایش فراتر از دیوارهای PACT رفته است، با زبانی ساده و خودمانی و همه‌فهم از اهمیت ویژه‌ی نظام بین‌المللی رتبه‌بندی اعتباری در رقابت بین‌بنگاهی در عرصه‌ی جهانی گفت؛ و به گونه‌ای تاثیرگذاری سه موسسه‌ی بزرگ رتبه‌بندی اعتباری بین‌المللی به عنوان پیش‌قراولان نظام سرمایه‌داری امروزی جهان را تشریح کرد؛ که در خاتمه‌ی همایش، حتی همکار فیلمبردار و غیرحسابدارمان هم داشت با آب و تاب از جذابیت ارائه‌ی او می‌گفت، و این که چقدر این رتبه‌بندی اعتباری بین‌المللی چیز مهمی است و ما نمی‌دانستیم!

اما به باور نگارنده، نقطه‌ی اوج مباحث ارائه‌شده در این همایش، در سه ارائه‌ی انجام‌شده توسط محمدرضا

صدیقی به نمایندگی از صنعت گاز کشور، داود منظور به نمایندگی از صنعت برق کشور، و امیر صفری به نمایندگی از صنعت بیمه کشور تبلور یافت. محمدرضا صدیقی، عضو هیئت مدیره و مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران، که خود از حسابداران حرفه‌ای و از اعضای ارزشمند انجمن حسابداران خبره ایران است، در ارائه‌ی جذاب خود، از اقدامات بسیار ارزشمند انجام‌شده در مدیریت هزینه‌ی صنعت گاز ایران (به عنوان یکی از صنایع راهبردی و زیربنایی کشور) گفت. وی پیاده‌سازی سامانه‌ی مدرن بهایابی بر مبنای فعالیت (ABC) در شرکت‌های زیرمجموعه‌ی شرکت ملی گاز ایران را به عنوان یک پروژه‌ی ملی ارزیابی کرد، و به پاره‌ای از دستاوردهای ارزشمند آن، هم در سطح بنگاه و هم در سطح ملی، اشاره کرد. صدیقی در این ارائه، به عنوان یک حسابدار حرفه‌ای، از نگاه ملی، بر غیرواقعی بودن بهای تمام‌شده‌ی صنایع انرژی‌بر کشور تاکید کرد؛ و در این راستا، با معرفی مفهوم "انرژی مجازی" (مشابه مفهوم "آب مجازی") تصریح کرد، مادامی که ما حسابداران حرفه‌ای سهم انرژی را در بهای تمام‌شده‌ی محصولات و خدمات کشور به‌درستی گزارش نکنیم، در واقع به سرمایه‌گذاران سیگنال غلط می‌دهیم و آن‌ها را به سمت ورود تکنولوژی‌های انرژی‌بر به کشور سوق می‌دهیم، و بدین ترتیب، دست حراج به ثروت ملی‌مان می‌زنیم و از جیب نسل آینده می‌خوریم!

در ارائه‌ی بعد نیز، داود منظور، قائم مقام مدیرعامل شرکت توانیر و معاون هماهنگی مالی و پشتیبانی امور مجامع این شرکت، به ارائه‌ی اقدامات ارزشمند انجام‌شده در مدیریت هزینه‌ی صنعت برق ایران (به عنوان یکی دیگر از صنایع راهبردی و زیربنایی کشور) و پیاده‌سازی سامانه‌ی مدرن بهایابی بر مبنای فعالیت (ABC) در این شرکت ملی پرداخت. وی نیز، از چشم‌اندازی مشابه ارائه‌ی قبلی، با تاکید بر غیرمنطقی بودن قیمت فروش برق به مشترکان (به‌ویژه، صنایع) بر غیرواقعی بودن بهای تمام‌شده‌ی صنایع انرژی‌بر کشور تاکید کرد. او همچنین، در بخشی از ارائه‌ی خود، با اشاره به واگذاری بخشی از نیروگاه‌های برق کشور طی سال‌های اخیر، به تبیین پاره‌ای از معضلات برآمده از دوگانگی حسابداری در بخش دولتی و در بخش خصوصی (نیروگاه‌های واگذارشده) پرداخت، و این دوگانگی را یکی از دلایل کلیدی در فرسودگی روزافزون صنعت برق کشور و عدم سرمایه‌گذاری و نوسازی آن در طول زمان معرفی کرد.

در آخرین ارائه‌ی همایش، امیر صفری، که بیش از سه سال است هدایت پژوهشکده‌ی بیمه‌ی مرکزی را بر عهده دارد، در دو نیمه‌ی کاملاً متفاوت به مقوله‌ی مدیریت هزینه در این صنعت تخصصی و پیچیده پرداخت. وی در نیمه‌ی نخست ارائه‌ی خود، با تشریح ترکیب هزینه‌های صنعت بیمه‌ی ایران، که شامل هزینه‌ی خسارت (حدود ۸۴ درصد)، هزینه‌ی کارمزد نمایندگی‌ها (حدود ۷ درصد)، و هزینه‌ی اداری و عمومی (حدود ۹ درصد) است؛ علی‌الظاهر همان حدود ۹ درصد هزینه‌های اداری و عمومی را مدیریت‌پذیر اعلام کرد. ولی در نیمه‌ی دوم ارائه‌ی خود، با اشاره به ایرادات بنیادی موجود در مدیریت صنعت بیمه‌ی کشور، از جمله، عدم استقرار مدیریت ریسک، عدم تفکیک بیمه‌های زندگی از سایر رشته‌های بیمه‌ها، و عدم محاسبه‌ی جداگانه‌ی بهای تمام‌شده‌ی رشته‌های مختلف بیمه، دامنه‌ی مدیریت هزینه‌ی قابل اعمال در صنعت بیمه‌ی کشور را بسیار فراتر از آن ۹ درصد هزینه‌های اداری و عمومی دانست.

در پایان همایش نیز، نشست پرسش و پاسخی با حضور عزیز عالی‌ور و هنگامه مقدس‌پور برگزار شد، و این دو حسابدار مدیریت به‌واقع خبره، که سالیان متمادی در طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های نوین بهایابی (عمدتاً بر مبنای فعالیت - ABC) در بنگاه‌های بزرگ و بعضاً ملی کشور درگیر بوده‌اند، ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌های حاضران، تجربیات عملی خود در این ارتباط را با آنان به‌اشتراک گذاشتند.

همان‌طور که اعضای گرانمایه‌ی انجمن و دیگر خوانندگان محترم مجله‌ی حسابدار مستحضرند، ساختار اقتصادی ایران، به رغم همه‌ی واگذاری‌های انجام‌شده طی یکی، دو دهه‌ی اخیر (در راستای خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی)، همچنان دولتی است. در این‌جا، منظور از "دولتی"، اعم از بدنه‌ی فربه دولت به عنوان قوه‌ی مجریه و بنگاه‌های اقتصادی تحت تملک و تحت مدیریت آن، و دیگر نهادهای حاکمیتی و نهادهای غیرحاکمیتی بخش عمومی و بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت و مدیریت آن‌ها است؛ که بنا به روایت‌های مختلف، چیزی حدود ۷۰ تا ۸۵ درصد اقتصاد کشور را دربرمی‌گیرند. این در حالی است که ذهنیت حسابداران حرفه‌ای و دانشگاهی کشور، طی قریب به یک قرن گذشته، تحت تاثیر منابع آموزشی (کتاب‌ها و نشریات حرفه‌ای و دانشگاهی) و ضوابط بین‌المللی (چارچوب‌های نظری، اصول،

استانداردها، و رویه‌ها) که غالباً بر بنیان ساختار اقتصاد سرمایه‌داری (خصوصی) کشورهایی همچون انگلستان و آمریکا توسعه یافته‌اند، بیشتر متمرکز بر بنگاه‌های غیردولتی فعال در بخش خصوصی کشور بوده است. البته در این جا امیدوارم این بحث، آلوده به این مغالطه نشود که مفاهیم بنیادی حسابداری (به‌ویژه، حسابداری مدیریت) در سازمان‌های دولتی و خصوصی یکسان هستند. مثلاً، ذکر شود که اهمیتی ندارد که سیستم بهایابی بر مبنای فعالیت (ABC) را در شرکت ملی گاز، یا حتی فراتر از آن، در یک دستگاه دولتی پیاده‌سازی کنیم یا در یک شرکت کاملاً خصوصی! مسلماً چنین است و نگارنده نیز باوری جز این ندارد. ولی آن چه در این سطور مد نظر نگارنده است، ذهنیت غالب بر حسابداران حرفه‌ای و دانشگاهی کشور است، که متأثر از منابع یادشده، عموماً متمرکز بر بنگاه‌های غیردولتی فعال در بخش خصوصی کشور بوده است. به عبارت دیگر، به رغم دولتی بودن بیش از ۷۰ درصد اقتصاد کشور، خدمات ارزشمند حرفه‌ی حسابداری عمدتاً در بخش کوچکتر اقتصاد ایران (بخش خصوصی) متمرکز بوده است. مسلماً در این عدم تناسب، تقصیر (کوتاهی) دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان بخش غیرخصوصی اقتصاد کشور کلیدی و تاثیرگذارتر بوده است. زیرا آگاهانه یا ناخودآگاه، خود را از خدمات ارزشمند حسابداران محروم کرده‌اند. ولی ما حسابداران نیز می‌توانستیم، و می‌توانیم، بیش از پیش به معرفی خدمات متنوع و ارزشمند حسابداری به مدیران بخش غیرخصوصی کشور بپردازیم. زیرا رسالت حرفه‌ی حسابداری همانند همه‌ی حرفه‌های دیگر، خدمت به "عموم" است؛ و در ایران، بخش اعظم منافع "عموم" در بخش غیرخصوصی اقتصاد است. به عنوان مثال، محمدرضا صدیقی در ارائه‌ی خود در این همایش (مدیریت هزینه در صنعت گاز)، صرفاً به عنوان یکی از مصادیق دستاوردهای ارزشمند اعمال مدیریت هزینه در صنعت گاز کشور، آن هم صرفاً در یکی از پالایشگاه‌های کشور، از صرفه‌جویی ۳،۸ میلیارد دلاری گفت! این مبلغ صرفه‌جویی که حتی اگر با دلار ۴،۲۰۰ تومانی هم آن را تسعیر کنیم چیزی بالغ بر ۱۶ هزار میلیارد تومان می‌شود، در مقام مقایسه، بیش از نصف مبلغ یارانه‌ی نقدی پرداختی به مردم ایران در طول سال است! تاکید می‌کنم؛ این فقط "یکی" از دستاوردهای به‌دست‌آمده در "یکی" از شرکت‌های دولتی است. پس، همکاران گرانمایه، برای حفظ منافع ملی، بیا بیدارتر به بخش عمومی بپردازیم. ■